

فارسی، مهم

درس دوم

پشمه معرفت

غرقه : محو بودن

کنجکاوی : پرسشگری

کشف کردن : پیدا کردن

سر زدن : کنایه از دید و بازدید/ روح مذاپ : اشاره به جاری و روان

بودن آب

نگاه های کنجکاوانه : دقیق

نگاه های تشنه : تشخیص

گوش و چشم دادن : با دقت گوش دادن و با دقت نگاه کردن

دل دادن : عاشق شدن و کنایه از با تمام وجود توجه کردن

روحم چنان غرق فهمیدن بود : روح و جانم لبریز از درک کردن

بود

چشمه معرفت

در یکی از سال های نوجوانی که کنجکاوی خستگی ناپذیری داشتم، برای فرا گرفتن و فهمیدن و به ویژه برای کشف کردن، سری به طبیعت روستا زدم.

با نگاه های کنجکاوانه و تشنه، به درس بزرگ طبیعت می نگریستم. گوش می دادم، چشم می دادم، دل می دادم و روحم چنان غرق فهمیدن بود که از هیجان می لرزید. احساس می کردم هم اکنون چشمه های معرفت از درون من سر باز خواهند کرد و آب های زلال و سرد و کوارای فم و دانایی در من خواهد جوشید. من اکنون دست نمی دانم که در آن لحظه ها تا کی می فهمیدم و نمی دانم چه فمی از آن زیبایی ها و آفرینش الهی داشتم اما یقین دارم که در کلاس شکفت آفرینش و زیبایی طبیعت، عظمت و جلال و جاذبه خالق را با همه وجودم لمس می کردم.

غرقه شکوه و اعجاز زیبایی خلقت بودم که ناکلمان نوازش لطیف و خنکی را در لای انگشتان پا های برهنه ام احساس کردم؛ آب، جوش چشمه ها! آب، این روح مذاپ امید و زندگی، تازه نفس، جوان، زلال و نیرومند با گام های استوار و امیدوار شتابان می رفت تا خود را به دهان خشک زمین و صدها کشتزار سوخته و نگاه های پژمرده هزاران درخت تشنه رساند و در رگ های خشکیده جوی های مزده و کوچه باغ های مرده، جاری گردد.

روح از هیجان می لرزید : **تشخیص**

چشمه معرفت : **تشبیه**

سرباز کردن : **جاری شدن**

چشمه های معرفت از درون من سر باز خواهند کرد : **تمام وجود**

پر از معرفت و شناخت خدا خواهد شد .

سبزه ها و کشته های سیراب : **تشخیص**

شاخه ی دست : **تشبیه**

آمین : **درخواست اجابت دعا**

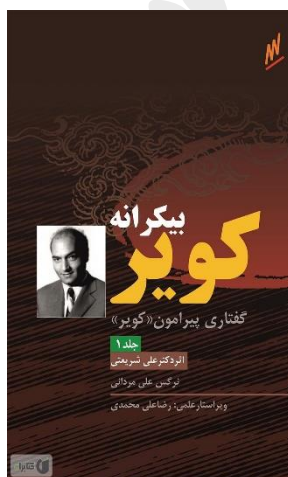
سال دیگر که به روستا برگشتم، بر روی سبزه‌ها و کشته‌های سیراب، درختان سرسبز باغ و صحرا را دیدم که شاخه‌دست‌های خویش را به آسمان برافراشته بودند و دعا می‌کردند و کودکان پر نشاط گل بوته‌ها و نوجوانان امیدوار دژت‌ها در گوش نسیم، آیین می‌گفتند و من با غرور و مهربانی و خشود، باغ و صحرا را تماشا می‌کردم و در درخت‌ها و بوته‌ها می‌نگریستم. گویی با هر یک از آنان آشنایی دیرینه دارم و با همه ساقه‌های سرسبز، رفیق و خویشاوندم. این نخستین باری بود که در برابر این همه عظمت و بزرگی و در میان این همه آفرینش خداوند، خود را که هنوز نوجوان بودم، بزرگ حس می‌کردم.

از صحرا باز می‌گشتم و نسیم، مانند مادری مهربان و آداب‌دان که به کودکان خویش، حق‌شناسی و ادب می‌آموزد، سرهای نهال‌های جوان و بوته‌های نوزاد خویش را به نشانه احترام و وداع با من خم کرده بود و من در آخرین نقطه دید که اندک اندک صحرا از نظرم ناپدید می‌شد، بار دیگر سرم را برگرداندم و با تکیان دادن دست‌هایم به احساسات خاموش انا سرشار از پالی و صفای این طبیعت و سبزه‌های معصوم پاسخ می‌گفتم و به خالق آنها می‌اندیشیدم و این بیت «سعدی» را زمزمه می‌کردم:

«برگ درختان سبز، در نظر هویشار / هر ورقش دفتری است، معرفت‌کردگار»

دکتر علی شریعتی : نویسنده و اندیشمند معاصر ، در رشته جامعه شناسی و تاریخ ادیان

.آثار او عبارتند از : **کوبر** ، **فاطمه فاطمه است** ، **اسلام شناس**



نکات زبانی :

جمله خبری : جمله ای که خبری را بیان می کند .

مثال : دیروز علی در کلاس درس حاضر شد .

جمله پرسشی : در آن موضوع یا مطلبی پرسیده می شود. به دو صورت بیان می شود : 1 : با کلمات پرسشی 2 : بدون کلمات پرسشی

با کلمات پرسشی : از کلماتی مانند « آیا ، چگونه ، چرا ، برای چه ، چی ، کی ، کدام » استفاده می کنیم

بدون کلمات پرسشی : با تغییر لحن و آهنگ سوالی پرسیده می شود .

کتاب را آورده ای ؟ / به مدرسه رفته ای ؟

جمله عاطفی : بیانگر احساسات و عواطفی چون تعجب ، تاسف ، تحسین ، آرزو ، نفرین ، خواهش است .

به به چه هوایی / کاش در آزمون نمره خوبی بگیرم / آفرین بر تو ای دانش آموز باهوش

جمله امری : خواهش و یا فرمانی را بیان می کند .

درس هایت را مطالعه کن / امروز به مدرسه برو / لطفا در را باز کن

در پایان جمله های خبری (.) / در پایان جملات پرسشی (؟) / در پایان جمله های امری (.) / در پایان جملات تعجبی (!) می گذاریم .

کلمات هم خانواده : کلماتی هستند که سه ویژگی دارند. 1 : ریشه مشترک دارند. 2 : سه حرف اصلی دارند 3 : از نظر معنا به

یکدیگر نزدیک هستند .

تصویر ، تصاویر ، تصور ، صورت ، مصور

شغل ، شاغل ، مشاغل ، اشتغال ، مشغول

قصد ، قاصد ، مقصد ، مقصود

هم خانواده : کلمات عربی که دارای ریشه فعلی مشترک باشند . در عربی کلماتی که یک ریشه سه حرفی مشترک داشته باشند و البته ترتیب حروف ریشه و معنای آن حفظ شود هم خانواده هستند .

مثال : (جلیل ، تجلیل ، مجل) ، (مسجد ، سجده ، سجود ، سجده)

در فارسی کلماتی که از بن ماضی ، مضارع مربوط به یک مصدر ساخته شده باشند هم خانواده هستند .

مثال : دیده ، بینا ، بینش ، بیننده ، دیدار / گویا ، گوینده ، گفتار ، گویش ، گفته

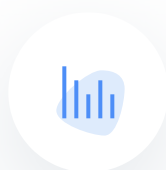
فارسی، متعم

متوسط اول



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد